

بررسی تاریخی دختران امام کاظم علیه السلام

سید یاسین زاهدی^۱

چکیده

درباره تعداد دختران امام کاظم علیه السلام اختلاف زیادی وجود دارد. آنان عموماً دارای فضل و دانش بوده‌اند، اما در میان آنان فاطمه معصومه علیها السلام مدفون در شهر قم، از ویژگی خاصی برخوردار است. درباره فضیلت زیارت آن حضرت، چند حدیث از امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بیان شده است. به جز فاطمه معصومه علیها السلام که مختصر شرح حال وی در منابع تاریخی و حدیثی آمده، شرح حال سایر آنها مشخص نیست. در بسیاری از شهرهای ایران بارگاه‌هایی به آنان نسبت داده‌اند که مدرک معتبر ندارد؛ این بارگاه‌ها در قرون متأخر به آنان نسبت داده شده است. تنها بارگاه معتبر از دختران امام هفتم علیه السلام، بارگاه فاطمه معصومه علیها السلام است که در شهر قم وجود دارد. این نوشتار درصدد بررسی انتساب این بارگاه‌ها به آنان است.

واژه‌گان کلیدی

دختران امام کاظم علیه السلام، معصومه علیها السلام، بارگاه، حرم مطهر.

^۱ کارشناس ارشد تاریخ اهل بیت علیهم السلام، جامعه المصطفی العالمیه، افغانستان.

در مورد دختران امام کاظم علیه السلام در کتب *انساب و تاریخ* اختلافات زیادی وجود دارد. تعداد آنها ۱۵، ۱۹^۱ و ۳۷ نفر در منابع ثبت شده است. به جز فاطمه معصومه علیها السلام که در شهر قم مدفون است شرح حال بقیه دختران امام کاظم علیه السلام مشخص نیست. با وجود آن که اکثر آنان دارای فضل و کمال بوده‌اند و برخی نیز مانند زینب از ائمه علیهم السلام روایت نقل می‌کرده، ولی شرح حال و مکان دفن آنها نیز مشخص نیست. در این فصل، شرح حال هفت نفر از دختران امام کاظم علیه السلام مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و اطلاعاتی درباره آنها، از متون مختلف ارایه می‌گردد.

۱. فاطمه معصومه علیها السلام

در منابع قدیم، دو دختر به اسم‌های فاطمه کبری و فاطمه صغری به امام کاظم علیه السلام نسبت داده شده است.^۲ ابن خشاب سه دختر به این نام ذکر می‌کند.^۵ حسن قمی یک دختر به اسم فاطمه آورده است.^۶ تنها سبطین جوزی از علمای اهل سنت، در قرن هفتم، چهار دختر به اسم فاطمه «فاطمه کبری، فاطمه صغری، فاطمه وسطی و فاطمه آخری» برای امام کاظم علیه السلام ذکر کرده است.

تاریخ ولادت و وفات فاطمه کبری به طور دقیق معلوم نیست، زیرا در منابع قدیم ذکر نشده است، ولی برخی ادعا نموده‌اند که وی در اول ذی‌القعدة ۱۷۳ قمری در مدینه به دنیا آمده است.^۷ عده‌ای دیگر به نقل از کتاب‌های *نزه‌الایرار فی نسب اولاد الائمه الاطهار و لوائح الانوار فی طبقات الاخیار*.^۸ تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را در اول ذی‌القعدة ۱۷۳ قمری و وفات ایشان را دهم ربیع‌الثانی ۲۰۱ قمری ذکر نموده‌اند.^۹

۱. تاریخ قم، ص ۱۹۹.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳. المجدی، ص ۱۰۷ و ۱۰۶.

۴. الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴. تاج‌الموالید، مجموعه تفسیر، ص ۹۶. المجدی، ص ۱۰۷.

۵. تاریخ‌الموالید‌الائمه و وفیاتهم مجموعه تفسیر، ص ۱۴۱.

۶. تاریخ قم، ص ۱۹۹.

۷. مستدرک سفینه‌البحار، ج ۸، ص ۲۵۷.

۸. الدرریمه، سیدموسی برزنجی شافعی مدنی، ج ۲۴، ص ۱۰۷.

۹. جغرافیای تاریخی هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، ص ۱۰. وسیله‌المعصومیه، ص ۶۵.

اما این نظر از سوی محققان رد شده است. ذبیح‌الله محلاتی می‌نویسد:

آنچه را که برخی از جهت بعضی اغراض نسبت می‌دهند که فلان مجتهد در مدینه طیبه وفات و تولد آن مخدیره را استخراج کرده بی‌اصل است، زیرا کتاب *لوائح الانوار* در نظر من موجود است و اصلاً چنین مطلبی در آن نیست. احتمال دادم کتاب دیگری باشد، تا این که خدمت علامه آقای شهاب‌الدین نجفی تبریزی شرفیاب شدم. این مطلب را عنوان کردم، فرمود: من کسی را که چنین جعلی کرده، ملاقات کردم، معلوم شد غرض داشته و ذکر آن مصلحت نیست.^۱

برخی ولادت ایشان را اول ذی‌القعدة سال ۱۸۳ قمری ذکر می‌کنند.^۲ البته این قول نیز صحت ندارد، زیرا بنابر قول مشهور، امام کاظم علیه السلام در این سال به شهادت رسیده است، خصوصاً این که حضرت چهار سال آخر عمرش را در زندان سپری نمود و از خانواده‌اش در مدینه دور بود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که تاریخ تولد و وفات فاطمه معصومه علیها السلام به طور دقیق معلوم نیست.

مادر ارجمند حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بانویی از اهالی مغرب می‌باشد وی و امام ضامن علیه السلام از یک مادر متولد شده‌اند.^۳ برای مادر این بانو، اسامی و القاب فراوان از جمله: نجمه، تکتم،^۴ خیزران، مرسیه، آروی، ام‌البینین، صغرا ذکر شده است،^۵ درباره زمان تولد پدر، مادر، سن و مدت عمر نجمه خاتون اطلاعی در دست نیست. درباره این که اهل چه منطقه‌ای بوده است، تنها چیزی که در دست است مشخص می‌کند که او اهل مغرب بوده، از این رو مرحوم خاتون آبادی به صراحت وی را اهل نوبه و زنگبار دانسته است.^۶ این بانوی با شرافت و فضیلت در خانواده امامت و ولایت، نجمه نامیده شد، وی در ابتدا کنیزی در خدمت امام هفتم بود، هنگامی که نجمه قبل از ازدواج به خانه امام کاظم علیه السلام راه یافت از محضر حُمیده «مادر امام کاظم علیه السلام» اصول و کمالات اسلامی را آموخت، نجمه خاتون از نظر عقل، هوشیاری و دین‌داری از بهترین بانوان بود و مادر امام کاظم علیه السلام او را بهترین دختر در زیرکی و محاسن اخلاقی می‌دانست که هر نسلی از او پاکیزه و مطهره است.^۷

۱. ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۱-۳۲.

۲. گنجینه آثار قم، ص ۳۸۶.

۳. دلائل الامامه، ص ۱۴۷.

۴. اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۳۹.

۵. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۷.

۶. جنات الخلود، ص ۳۲.

۷. جلاء العیون، ص ۹۲۷؛ صیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۴؛ اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۴۰.

حمیده مادر امام کاظم علیه السلام می گوید:

وقتی که نجمه به خانه ما راه یافت شبی پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من فرمود: ای حمیده نجمه را به پسر ت موسی ببخش (همسر او کن) همانا به زودی بهترین فرد روی زمین از او متولد می شود. من به این دستور عمل کردم و نجمه را همسر فرزندم امام کاظم علیه السلام نمودم و از او حضرت رضا به دنیا آمد.^۱

هجرت به ایران

مأمون در سال ۲۰۰ هجری امام رضا علیه السلام را از مدینه به مرو دعوت کرد، تا او را ولی عهد خود قرار دهد، آن حضرت اجباراً از مدینه به سوی مرو، محل خلافت مأمون عباسی حرکت کرد و در آن جا مجبور به پذیرش ولایت عهدی شد. بعد از این حادثه، علویان به سوی ایران روی آوردند.

حضرت معصومه علیها السلام یک سال بعد از امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۱ هجری عازم ایران شد. درباره این که ایشان را چه کسانی همراهی کردند به طور دقیق در تاریخ چیزی یافت نمی شود، شیرازی می گوید:

۲۳ نفر از امام زادگان، از همراهان حضرت معصومه علیها السلام بوده اند، وی شش نفر از برادران حضرت معصومه علیها السلام را نام می برد که همراه وی بوده اند. ۱. فضل ۲. علی ۳. جعفر ۴. هادی ۵. قاسم ۶. زید.^۲

در کتاب های انساب، از هادی به عنوان یکی از فرزندان امام کاظم علیه السلام نامی برده نشده است و ایشان غیر از امام رضا علیه السلام فرزند دیگری به اسم علی نداشته است. چون زید معروف به «زیدالنار»، در بصره قیام نمود سربازان مأمون وی را دست گیر نموده به مرو بردند. بنابراین، گزارش شیرازی درست نخواهد بود. در این خبر آمده که همراهان حضرت معصومه علیها السلام در ساوه با سربازان مأمون درگیر شده و به شهادت رسیدند.^۳

برخی دیگر به نقل از کتاب *بحر الانساب*، که فاقد اعتبار است ۲۱ نفر از فرزندان امام کاظم علیه السلام را ذکر می کنند که همراه حضرت معصومه علیها السلام بودند. افرادی که ذکر می کنند اکثر آنها در کتاب های *انساب* جزء فرزندان امام کاظم علیه السلام ذکر نشده اند، اسامی آنها عبارتند از: جعفر، باقر، قاهر، حیدر، حاضر، ابوذر، صادق، ساطی، هادی، قاسم، مالک، ادهم، قائم،

۱. همان، ج ۲، ص ۴۱.

۲. *ریاض الانساب*، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ *جغرافیای تاریخی هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام*، ص ۴۴.

۳. *ریاض الانساب*، ص ۱۶۰.

سپهسالار، حسین، ابوطالب، علی، زید، زبیده، آذر و سنی.^۱ به هر صورت از چگونگی هجرت حضرت معصومه علیها السلام و این که هم‌راهان وی چند نفر و چه کسانی بوده‌اند و مسیری که از آن به ایران آمده‌اند، در کتب معتبر تاریخ و انساب، گزارش دقیقی نیامده است.

قدیمی‌ترین گزارش در مورد حضرت معصومه علیها السلام در قرن چهارم از حسن بن محمد قمی است. روایاتی از امام رضا علیه السلام در مورد خواهرش نقل شده که مشخص می‌شود حضرت معصومه علیها السلام قبل از شهادت امام رضا علیه السلام در قم وفات یافته است. امام رضا علیه السلام کسانی که از قم به خراسان خدمت ایشان می‌آمدند به زیارت قبر خواهرش حضرت معصومه علیها السلام تشویق می‌کردند.^۲

دلایل هجرت به قم

برخی برای هجرت حضرت معصومه علیها السلام دلایلی دارند که قابل قبول و یا توجیه‌کننده هجرت ایشان است. در بررسی علل هجرت ایشان به ایران می‌توان گفت وضعیت بحرانی سیاسی و اجتماعی دوره عباسیان در این امر تأثیرگذار بوده است. مثلاً، شرایط سخت و دشوار علویان و در نتیجه عدم امنیت جانی و مالی یکی از دلایل هجرت می‌باشد. در چنان شرایطی، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تصمیم گرفتند از مدینه به ایران هجرت کنند. درباره علت هجرت فاطمه معصومه علیها السلام به سوی ایران نظرات گوناگونی ابراز شده است که هر یک جای تفکر و بررسی دارد، احتمالاتی نیز مطرح است که مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. طبق گزارش برخی از افراد، امام رضا علیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام هر دو از یک مادر متولد شده‌اند.^۳ عشق و علاقه آن حضرت به امام رضا علیه السلام علاوه بر ابعاد دیگر، از بعد روابط عاطفی و شخصی حائز اهمیت بود، آن‌چنان که هرگز نتوانست دوری برادر را تحمل کند، از این‌رو، به شوق دیدار برادر راهی مرو گردید.

۲. برخی نقل نموده‌اند امام رضا علیه السلام از مرو نامه‌ای خطاب به حضرت معصومه علیها السلام نوشت و به دست یکی از غلامان مورد اعتماد خود داد تا آن را به ایشان در مدینه برساند. حضرت پس از دریافت نامه، آماده سفر شد.^۴

۱. شهیده غربت، ص ۷۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۶.

۳. دلائل الامامه، ص ۱۲۷.

۴. کریمه اهل بیت، ص ۱۷۲.

۳. همان‌گونه که امام رضا علیه السلام در طول سفر خویش از مدینه به مرو، با بیان سخنان بیدارکننده، اذهان جامعه را نسبت به اهل بیت علیهم السلام، جای‌گاه آنها و نقش امامت در جامعه مسلمین روشن می‌ساخت؛ حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز برای فرار از ظلم و ستم حکومت، نشر تبلیغ آیین محمد صلی الله علیه و آله، آشکار کردن چهره عباسیان، مظلومیت خاندان اهل بیت علیهم السلام و روشن ساختن اذهان جامعه نسبت به امامت و ولایت، هجرت را برگزید.

۴. مزیت سرزمین قم و محوریت آن در آینده، یکی از علل هجرت فاطمه معصومه علیها السلام به ایران است. اهالی قم از همان قرون اولیه به طرفداری و پیروی از اهل بیت علیهم السلام معروف بوده‌اند و تاریخ‌نگاران گفته‌اند که اهالی قم اکثراً پیرو مذهب امامیه هستند.^۱ از طرف دیگر، مردم قم هم‌واره مورد ستایش ائمه قرار گرفته‌اند. روایاتی از زبان ائمه علیهم السلام در این مورد نقل شده است.^۲ امام صادق علیه السلام در حدیثی خبر داده بود که یکی از دختران فرزندم موسی بن جعفر علیه السلام در قم مدفون خواهد شد.^۳ لذا به همین جهت فاطمه معصومه علیها السلام راهی ایران گردید.

۵. برخی گفته‌اند که مأمون، حضرت معصومه علیها السلام را از امام رضا علیه السلام خواستگاری نمود و حضرت به اجبار نامه‌ای به ایشان نوشت و از او خواست که راهی مرو شود، ایشان نیز طبق دستور امام رضا علیه السلام راهی مرو شد.^۴ البته این گزارش در منابع معتبر نیامده و خود عباس فیض هم آن را رد می‌کند.

از جمع‌بندی میان احتمالات هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به ایران، گزینه‌های اول و آخر مردود است، زیرا که در منابع معتبر تاریخی این روایات دیده نشده است. اما دیگر احتمالات می‌تواند دلیلی قانع‌کننده برای هجرت حضرت معصومه علیها السلام به ایران باشد، زیرا هر کدام از این احتمالات، مانند هجرت برای دیدار برادر، فرار از ظلم و ستم و تبلیغ از دین، معقول به نظر می‌رسد.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام حرکت سیاسی امام رضا علیه السلام را در نظر داشت که برادر چگونه از خانواده‌اش خداحافظی کرد. چگونگی خروج او از مدینه، خبر دادن از سفر غیرقابل بازگشت و شهادت خویش، ایجاد کردن زمینه منفی نسبت به حکومت و آماده

۱. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۱۵.

۲. رجال کشی، ص ۳۳۳.

۳. سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۲۵.

۴. انجمن فرزان، ص ۵۹؛ انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۷۵.

کردن خاندان اهل بیت علیهم السلام از خیر شهادت خود،^۱ ایشان نیز با درک اوضاع و احوال دریافته بود که دیگر امام رضا علیه السلام را زیارت نخواهد کرد. از این رو، به عشق دیدار امام و برادر خویش، جانب ایران را در پیش گرفت.

هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم، از جهات گوناگون دارای تأثیر بوده است. حضور کریمه اهل بیت علیهم السلام در شهر قم، باعث شد که مهاجران علوی، سادات و دوستداران اهل بیت علیهم السلام از سرزمین‌های مختلف به این شهر روی آوردند و به تدریج باعث جذب سرمایه، عمرانی و آبادانی شد. ایجاد پایگاه علمی، گسترش فقه جعفری و شیعه اثنی‌عشری و ایجاد حوزه‌های علمیه از دیگر برکات وجود آن حضرت است.

ورود به قم

حسن بن محمد قمی می‌گوید:

از دیگر سادات حسنیه و فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام که به قم آمدند دختر موسی بن جعفر علیه السلام است.

بعضی از مشایخ قم می‌گویند: هنگامی که علی بن موسی الرضا علیه السلام را برای عقد ولایت‌عهدی از مدینه به مرو آوردند، خواهر او فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام در سال ۲۰۱ هجری به جست‌وجوی او بیرون آمد چون به ساوه رسید بیمار شد، پرسید: «تا شهر قم چه قدر مسافت است»، گفتند: «ده فرسخ»، خادم خود را گفت تا او بردارد و به قم ببرد، او را به قم آورد و در سرای موسی بن خزرج بن سعد اشعری مهمان کرد.

روایت صحیح و درست آن است که چون خبر به آل سعد رسید همه اتفاق کردند که از ستی فاطمه تقاضا کنند که به قم آید از میان ایشان موسی بن خزرج تنها در آن شب بیرون آمد و چون به شرف ملازمت ستی فاطمه رسید زمام ناقه او را گرفت و به جانب شهر کشید و او را به سرای خود فرود آورد و هفده روز در حیات بود چون رحلت کرد بعد از غسل و کفن و نماز توسط موسی بن خزرج زمینی که در بابلان بود (آن جا که امروزه بارگاه حضرت معصومه قرار گرفته است) دفن کرده و بر سر تربتش از بوریا سایه‌بان ساختند تا آن که زینب دختر محمد بن علی الرضا علیه السلام قبه فعلی را بر سر تربت او بنا نهاد.^۲

روایت کرد مرا حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه از محمد بن حسن بن احمد که او را روایت کردند که چون فاطمه را وفات رسید و بعد از غسل و تکفین، او را به مقبره‌ای

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ انبیا الرصیه، ص ۲۲۴.

۲. تاریخ قم، ص ۲۱۳.

بابلان بر کنار سردابی که از برای او ترتیب داده بودند حاضر کردند، آل سعد با یکدیگر اختلاف کردند درباره این که چه کسی سزاوار است که در سرداب رود و فاطمه را بر زمین نهد و دفن کند. پس از آن همگی اتفاق کردند بر آن که خادم پیر به نام قادر را حاضر گردانند تا فاطمه در قبر نهد و کسی را به دنبال او فرستادند در میان این گفت‌وگو از جانب ریگزار دو سوار پدیدار شدند و به جانب آنها آمدند چون به نزدیک جنازه فاطمه رسیدند از اسب فرود آمدند و بر فاطمه نماز گزارند و در سرداب رفتند و فاطمه را دفن کردند و از قبر بیرون آمدند و رفتند و هیچ کس نفهمید که که آن دو سوار چه کسانی بودند.^۱

فضیلت زیارت فاطمه معصومه علیها السلام

بهترین سند درباره فضیلت زیارت آن بانوی برگزیده اسلام، روایات امامان معصوم علیهم السلام، تشویق و توصیه پیروان خود به زیارت مرقد نورانی ایشان است. پاداش عظیمی برای زائران بیان کردند که چنین پاداشی در باب زیارت اولاد موسی بن جعفر علیهم السلام بعد از امام رضا علیه السلام بی سابقه است.

تولد فاطمه معصومه علیها السلام برای اهل بیت علیهم السلام اهمیت خاصی داشت زیرا این خبر قبل از تولد، بارها توسط امام صادق علیه السلام اعلام می‌شد، به این ترتیب از همان ایام، شیعیان را به شناخت مقام والای وی فرا می‌خواندند؛ در این جا چند نمونه از روایات را ذکر می‌کنیم.

گروهی از شیعیان ری نزد امام صادق علیه السلام آمدند، حضرت فرمود: «آفرین بر برادران ما از اهل قم»، آنان گفتند: «ما اهل ری هستیم»، ولی امام علیه السلام همان جمله پیشین را تکرار فرمود و ادامه داد، این جمله تا سه بار تکرار شد. آن گاه امام فرمود: ^۲ «برای خداوند حرمی است که مکه است، حرم رسول خدا مدینه، حرم امیرالمؤمنین کوفه و حرم من و فرزندانم قم است بدانید قم کوفه کوچک ماست بانویی از اولاد من در آن جا وفات می‌کند که نامش فاطمه است، دختر موسی است همه شیعیان ما به شفاعت او وارد بهشت می‌شوند».^۳ امام صادق علیه السلام زمانی این خبر را گفتند که هنوز امام کاظم علیه السلام متولد نشده بود. در خبر دیگر نیز امام صادق علیه السلام به پیش‌گویی تولد وی پرداخته است. یکی از شیعیان به نزد حضرت آمد، امام را دید که با کودکی در گهواره سخن می‌گوید، گامی جلوتر نهاد و

۱. همان، ۲۱۳-۲۱۴.

۲. ان الله تعالى حرماً و هو مکه. الا ان لرسول الله حرماً و هو المدينة الا ان لاميرالمؤمنين حرماً و هو الكوفة الا ان حرمی و حرم ولدی بعدی قم الا ان قم کوفتنا الصغیره - الا ان للجنة ثمانية ابواب ثلاث منها الی قم. تقبض فیها امره هی من ولدی و اسمها فاطمه بنت موسی. تدخل بشفاعتها شیعتنا الجنة باجمعهم.

۳. عوالم‌العلوم، ج ۲۱، ص ۳۳۰. سفینه البحار، ج ۷، ص ۳۵۸. تاریخ قم، ص ۲۱۴.

مبهوت از این واقعه، پرسید آیا با این طفل سخن می‌گویید؟ امام او را دعوت کرد تا با کودک در گهواره سخن بگوید، مرد جلو آمد و سلام کرد. کودک نه‌تنها جواب سلام او را داد بلکه گفت، نامی را که برای دختری (که تازه متولد شده است) انتخاب کرده‌ای که خداوند آن را دشمن می‌دارد پس نامش را عوض کن [وی نام دخترش را حمیرا گذاشته بود] شگفتی مرد دو چندان شد آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود:

این کودک فرزندم موسی است. خداوند از او دختری به من عنایت می‌کند که نامش فاطمه است. او را در سرزمین قم به خاک می‌سپارند. هر شخصی که او را در قم زیارت کند، بهشت برایش واجب می‌شود.^۱

سعد بن سعد می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم، کسی که فاطمه دختر امام کاظم علیه السلام را زیارت نماید چه ثوابی دارد؟ فرمود کسی که او را زیارت کند، بهشت از آن اوست.^۲

از امام جواد علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت فرمود:

کسی که قبر عمه‌ام فاطمه معصومه را در قم زیارت کند بهشت برایش می‌باشد.^۳

امام رضا علیه السلام فرمود:

هر کس حضرت معصومه را در قم زیارت کند همانند کسی است که مرا زیارت کرده باشد.^۴

سعد اشعری قمی می‌گوید:

در خراسان خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. آن حضرت فرمود: ای سعد ما را قبری پیش شماست. سعد می‌گوید: عرض کردم فدایت شوم منظورت دختر موسی بن جعفر علیه السلام است؟ حضرت پاسخ داد: آری هر کس او را زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد وارد بهشت خواهد شد قطعاً.^۵

شخصیت علمی

در فرهنگ اسلامی، محدثان راستین هم‌واره از حرمت و منزلت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند آنان در حفظ و حراست از گنجینه‌های معارف، ارزش‌های دینی، ذخایر گران‌مایه

۱. منهاج‌الدعوى، ص ۴۴۱؛ اثبات الهداء، ج ۵، ص ۴۹۵.

۲. عن سعد بن سعد عن ابي الحسن الرضا علیه السلام قال سألته و عن فاطمه بنت موسی علیه السلام بن جعفر علیه السلام فقال «من زارها فله الجنة؛ ثواب الاعمال، ص ۱۲۴؛ کامل‌الزیارات، ص ۵۲۶؛ مستدرک السیفیه البحار، ج ۸، ص ۲۶۳.

۳. عن ابن الرضا علیه السلام قال: من زار عمتی بقم فله الجنة؛ کامل‌الزیارات، ص ۵۲۶. مستدرک السیفیه البحار، ج ۷، ص ۱۲۵.

۴. من زار المعصومه بقم کمن زارنی: ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵.

۵. قلتُ جملتُ فداک! قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى علیه السلام قال: نَعَمْ مِنْ زَارِهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ. بحار الانوار، ج ۹۹.

ص ۲۶۶؛ فضائل المعصومیه، ص ۳۶.

مکتب تشیع و رشد و تعالی فرهنگ غنی اسلام، نقش به‌سزایی داشته و حامل امانت‌های گران‌قدر الهی و رازدار اسرار آل رسول بوده‌اند. محدثه بودن آن حضرت یکی از بارزترین عناوین نشان‌دهنده مرتبه علمی و آشنا بودن با معارف بلند اسلام و مکتب حیات بخش تشیع می‌باشد. بزرگان علم حدیث، در کتاب‌های خود، احادیث و روایات آن حضرت را نقل نموده‌اند، روایاتی که به خاطر داشتن مضمونی ولایی، خود شاهدهی بر ولایت محوری ایشان می‌باشند. البته حضرت معصومه علیها السلام راوی روایات زیادی بوده گرچه بیش از چند روایت معدود از آن حضرت به دست ما نرسیده است.

به چند نمونه از این احادیث اشاره می‌شود:

... فاطمه، زینب و ام‌کلثوم دختران امام کاظم علیه السلام ... از فاطمه زهرا علیها السلام نقل می‌کنند و آن حضرت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: آیا فراموش کردید فرمایش رسول خدا را در روز غدیر که فرمود: هر کس من مولی «رهبر» اویم بعد از من علی مولی «رهبر» اوست.^۱
... فاطمه، زینب و ام‌کلثوم دختران امام کاظم علیه السلام ... از فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نمودند که رسول خدا فرمود: یا علی موقعیت و منزلت تو نسبت به من، همانند نسبت هارون به موسی علیه السلام است مگر این که بعد از من پیامبری نخواهد بود.^۲

فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام ... از فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نمود که او از زبان پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نمود: آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله «یعنی اهل بیت علیهم السلام» بمیرد شهید از دنیا رفته است.^۳

... از فاطمه دختر امام کاظم علیه السلام ... از صفیه دختر عبدالمطلب نقل شده است: آن‌گاه که امام حسین علیه السلام متولد شد من پرستاری کودک او را به عهده داشتم. پیامبر خدا فرمود: عمه فرزندم را برای من بیاور. گفتم ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ما او را بعد تولد شستشو نداده‌ایم. فرمود: ای خواهر پدر (عمه) تو می‌خواهی او را پاکیزه گردانی؟ به درستی که خدای تبارک و تعالی او را پاکیزه کرده و مطهر قرار داده است.^۴

۱. ... حدثني فاطمة، زينب و ام كلثوم بنات موسى بن جعفر عليه السلام ... عن فاطمة بنت النبي صلی الله علیه و آله يوم الغدير خم: من كنت مولاه فعلي مولاه. الغدير، ج ۱، ص ۱۹۷. احقاق الحق، ج ۶، ص ۲۸۲.

۲. حدثنا... فاطمة، زينب و ام كلثوم بنات موسى بن جعفر عليه السلام ... عن فاطمة بنت النبي صلی الله علیه و آله و رضی عنها قالت... و قوله صلی الله علیه و آله: أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي. الغدير، ج ۱، ص ۱۹۷.

۳. عن فاطمة بنت موسى بن جعفر عليه السلام ... عن فاطمة بنت سول الله صلی الله علیه و آله قالت: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إلا من مات على حب آل محمد صلی الله علیه و آله مات شهيداً. فروعی از کوثر، ص ۵۱ به نقل از الزؤلوه الثمينة، ص ۲۱۷.

۴. عن فاطمة بنت موسى بن جعفر عليه السلام ... عن صفية بنت عبدالمطلب قالت: لما سقط الحسين من بطن أمه و كنت وليتها قال النبي صلی الله علیه و آله: يا عمّة هلمّني إلى إن الله تبارك و تعالی قد نطفه و طهره. امالی صدوق، ص ۱۱۷.

فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام... از فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نمود که او از زبان پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نمود که هنگامی که در شب معراج مرا به آسمان بردند داخل بهشت شدم. در آن جا قصری از دُر سفید میان تهی دیدم که دارای دری بود زینت شده با دُر و یاقوت و بر آن در پرده‌ای آویخته بود سرم را بلند کردم دیدم بر در نوشته شده است: «لا اله الا الله محمد رسول الله. علی ولی القوم» خدایی جز خدای یگانه نیست محمد رسول خدا و علی ولی و صاحب اختیار مردم است. و بر پرده نوشته شده بود «مبارک باد، مبارک باد، بر کسانی که همانند شیعیان علی هستند» داخل شدم. در آن جا قصری از عقیق سرخ میان تهی دیدم که دری از نقره داشت که به به زبرجد سبز زینت شده بود و بر آن در نیز پرده‌ای آویخته شده بود. سرم را بلند کردم دیدم بر در نوشته شده بود «محمد رسول الله و علی وصی المصطفی» محمد فرستاده خدا و علی وصی و جانشین مصطفی است. و بر پرده نوشته شده بود «شیعیان علی را به پاک سرشتی و پاکی فرزندان بشارت بده.» داخل شدم. قصری از زبرجد سبز میان خالی دیدم که بهتر از آن ندیده بودم. این قصر دری از یاقوت سرخ داشت که با مروارید زینت شده بود و بر آن پرده‌ای آویخته بود. سرم را بلند کردم. دیدم بر در نوشته شده است: «شیعه علی هم الفائزون» شیعیان علی رستگارند گفتم: ای حبیب من جبرئیل، این قصر از آن کیست؟ گفت: از آن پسر عمو و جانشین شما علی بن ابی طالب علیه السلام است. و همه مردم در روز قیامت برهنه‌پای و بی لباس محشور می‌گرداند جز شیعیان علی...^۱

بیت‌النور

فاطمه معصومه علیها السلام که در مدت هفده روز، در قم و در خانه موسی بن خزرج اقامت داشت محرابی مخصوص، برای عبادت و نیایش او ترتیب داده بودند. فاطمه معصومه علیها السلام یکی از عالی‌ترین نمونه‌های عبادت و بندگی خداست. عبادت و شب زنده‌داری هفده روزه آن حضرت در روزهای آخر عمر، گوشه‌ای از یک عمر عبودیت و خضوع در برابر ذات پاک الهی است و بیت‌النور، معبد و محراب به یادگار مانده از اوست.

حسن قمی آورده است محرابی که فاطمه معصومه علیها السلام در آن نماز کرده است در خانه موسی بن خزرج تا به کنون ظاهر است.^۲ (۳۷۸ هجری) بیت‌النور «محل عبادت حضرت معصومه علیها السلام» در یکی محله‌های قدیمی قم به اسم میدان میر قرار دارد و هم اکنون

۱. عوالم‌العلوم، ج ۲۱، ص ۳۲۵. بانوی ملکوت، ص ۱۳۴.

۲. تاریخ قم، ص ۲۱۴.

خیابان ۴۵ متری عمار یاسر از کنار آن کشیده شده است. در کنار بیت‌النور مدرسه علمیه «ستیّه» واقع شده است. بیت‌النور قسمتی از خانهٔ موسی بن خزرج بوده و مشهور است که فاطمه معصومه علیها السلام در دوران اقامتشان در قم یعنی «در فاصله ورود تا وفاتشان» در این مکان به سر می برده و در دوران هفده روز نقاقت و بیماری خود را در آن جا گذرانیده است و برای آن حضرت در آن مکان محرابی بوده که در آن عبادت می کردند و مردم قم آن مکان را بیت‌النور نامیدند.^۱

بابلان

موسی بن خزرج (مهمان دار فاطمه معصومه علیها السلام) در کنار رودخانه شهر قم باغی داشته که به بابلان معروف بوده است، ایشان این باغ را برای محل تدفین آن حضرت در نظر گرفت.^۲

آیا این که باغ بابلان قبلاً قبرستان بوده است یا نه؟ فقیهی می گوید دقیقاً نمی دانم که آن جا قبلاً قبرستان بوده یا خیر؟ ولی به موجب قراینی، قبرستان عمومی نبوده است. زیرا در آن وقت قم دارای دو قبرستان عمومی، یکی در جنوب شهر و یکی در شمال بوده است. احتمال دارد که این مکان قبرستان خانوادگی موسی بن خزرج بوده باشد.^۳

صاحب تاریخ قم آورده است، فاطمه را بعد از غسل و کفن به مقبره بابلان در کنار سردابی که برای او ترتیب داده بودند حاضر کردند.^۴ از کلمه مقبره بابلان معلوم می شود که در آن جا قبرستانی بوده است آیا این که این قبرستان عمومی بوده یا خانوادگی درست معلوم نیست.^۵

در اواسط قرن سوم توسط زینب دختر امام جواد علیه السلام بر فراز قبر فاطمه کبری قبه‌ای بنا نهاده شد و در قرن ششم بارگاه با شکوه تری برای وی بنا نهاده شد.^۶

۲. فاطمه ستی

مشهور این است که فاطمه وسطی در اصفهان مدفون است و به فاطمه ستی شهرت دارد.

۱. بانوی ملکوت، ص ۸۴.

۲. شهیده غربت، ص ۹۲.

۳. تاریخ مذهبی قم، ص ۹۵.

۴. تاریخ قم، ص ۲۱۳.

۵. انوار پراکنده، ص ۲۱۱؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۴۰۷.

۶. مشاهد المتره الطاهره، ص ۱۷۱.

مقبره سَتی فاطمه در دوران صفویه و قبل از آن اهمیت داشته و دارای صحن، بارگاه، گنبد و ضریح بوده و معروف آن است که افغان‌ها در دوره تسلط بر اصفهان به طمع جواهرات و طلائی گنبد و ضریح، آن‌جا را خراب کردند. در زمان فتح‌علی شاه قاجار، محمدعلی‌خان از بستگان مرحوم حاج محمدحسین خان صدر، در اثر توسل به این مقبره، طبق نذری، به حاجت خویش رسیده بود؛ تجدید عمارت آن مقبره را به عهده گرفت و گنبد، صحن، رواق و ضریح را تجدید بنا کرد. مهدوی می‌نویسد این امامزاده از امامزادگان معتبر و در تمام ادوار مورد توجه و عنایت مؤمنین بوده و از مزارات متبرک می‌باشد.^۱

مقبره شاهزادگان در مجاورت بقعه و بارگاه فاطمه سَتی واقع شده است بقعه فاطمه سَتی دارای صحن و ضریح است و چنین شهرت دارد که در این آرامگاه فاطمه صغری دختر امام کاظم علیه السلام مدفون است، ساختمان، صحن و بقعه فاطمه سَتی از دوره صفویه به‌جا مانده است.^۲

مبارکه در تاریخ دانش‌وران آورده است که بارگاه امامزاده فاطمه سَتی در زمان صفویه خیلی باشکوه بوده است و ضریح مطلای عالی داشته است، که در فتنه افغان‌ها از بین رفته است و از شجره‌نامه و کتاب *نورالهدی فی نسب آل مصطفی* نقل نموده که سَتی فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام به همراهی برادران و خواهران خود که از راه اهواز به اصفهان آمده و خواهر او زینب کبری در ارزنان اصفهان و برادرش هارون در جنب گل‌بهار و برادر دیگرش ابراهیم در برخوار و فاطمه سَتی در این مکان مدفون شده‌اند.^۳ در شهر نائین نیز بقعه و بارگاهی وجود دارد که مشهور به فاطمه سَتی است و می‌گویند در این بقعه خواهر امام رضا علیه السلام مدفون است.^۴

همان گونه که بیان گردید شهرت بارگاه فاطمه دختر امام کاظم علیه السلام در اصفهان از دوران صفویه است و قبل از آن، گزارش معتبری در دست نیست.

۳. فاطمه صغری

آن‌چه که مشهور است فاطمه صغری مشهور به «بی بی هیبت» در شهر باکو پایتخت آذربایجان مدفون است، مجلسی می‌گوید:

۱. مزارات اصفهان، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۲. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۰۴.

۳. تاریخ نائینی، ص ۲۱۳-۲۱۴.

۴. همان، ص ۲۱۳.

فاطمه صغری مشهور به بی بی هیبت در شهر باکو در آذربایجان مدفون است.^۱

قدمت بقعه و بارگاه فاطمه صغری در باکو، به دوران صفویه می‌رسد. اما پس از پیدایش کمونیسم و قطع ارتباط آذربایجان با دیگر ممالک اسلامی، به دستور استالین در سال ۱۳۱۵ شمسی بارگاه فاطمه صغری با مواد منفجره تخریب و روی قبر وی آسفالت^۲ و تبدیل به خیابان عمومی شد به گونه‌ای که ماشین‌ها از روی قبر فاطمه صغری عبور می‌کردند. ولی شاه‌دان عینی می‌گویند مردم مسلمان آذربایجان در صف‌های بسیار طولانی با حوصله و تحمل بی‌نظیری توقف می‌کردند، تا از گذرگاه باریکی که برای عبور پیاده‌ها در نظر گرفته شده بود عبور کنند، در مواقعی که ترافیک سنگین بود، اتومبیل‌ها در صف‌های بسیار طولانی می‌ایستادند و هرگز از روی قبر عبور نمی‌کردند. پس از فروپاشی نظام کمونیستی، شیعیان آذربایجان با تلاش فراوان به تجدید بنای حرم فاطمه صغری اقدام کردند که فاز اول آن در هفدهم ربیع الاول ۱۴۱۹ قمری، به بهره‌برداری رسید.^۳

بارگاه فاطمه صغری در یک فرسخی شهر باکو قرار گرفته و خانه‌ای که در آن زندگی می‌کرده تاکنون محافظت شده و محل عبادتش تا به امروز به عنوان مکان مقدس محافظت می‌شود.^۴

۴. فاطمه اخری

در میان نویسندگان تنها سبطین‌جوزی (از علمای اهل سنت در قرن هفتم) به فاطمه اخری اشاره نموده و وی را یکی از دختران امام کاظم علیه السلام دانسته است.^۵

بنا به قولی بقعه و بارگاه فاطمه اخری در شهر رشت وجود دارد. بحرالعلوم گیلانی تاریخ تعمیم این بقعه را به سال ۸۹۴ قمری ذکر می‌کند.^۶

در منابع قدیمی اشاره‌ای نشده است که فاطمه اخری دختر امام کاظم علیه السلام در رشت مدفون است، در منابع قرن یازدهم این گونه آمده است «در رشت بقعه‌ای است که به فاطمه طاهره خواهر امام رضا علیه السلام منسوب است».^۷ همان‌گونه که از کلمه منسوب پیدا

۱. بهارالانوار، ج ۱۹، ص ۶۷۳؛ از آستارا تا استرآباد، ج ۲، ص ۱۸۰.

۲. سفیران رستگاری، ص ۲۸.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. تذکره الخواص.

۶. فاطمه اخری، ص ۸۰.

۷. تحفه العالم، ج ۲، ص ۳۷.

است، بحرالعلوم نویسنده *تحفه العالم* نیز در صحت این انساب تردید داشته است. بیشتر کسانی که به بارگاه رشت اشاره نموده‌اند به کتاب *تحفه العالم* استناد کرده‌اند و مدرک دیگری در دست ندارند.^۱

در مورد این که از چه قرنی بارگاه رشت به خواهر امام رضا علیه السلام شهرت پیدا کرده و این که او دختر امام کاظم علیه السلام و خواهر امام رضا علیه السلام می‌باشد هیچ اطلاعی در دست نیست. بحرالعلوم گیلانی می‌گوید:

مدارک و اسناد فراوانی در دست است که دلالت بر مدفون بودن فاطمه اخری علیها السلام ملقب به طاهره، دختر امام کاظم علیه السلام در رشت دارد.^۲

اما با جست‌جو در منابع، حتی یک مورد از این اسناد و مدارک یافت نمی‌شود و تنها مدرک ایشان قول صاحب *تحفه العالم* است. ایشان به نقل از عده‌ای می‌نویسد:

در سنگ مجاور درب ورودی حرم، سمت جنوب، که قبل از بازسازی بقعه کنونی قسمتی از آن باقی مانده بود، نام مدفون در بقعه خواهر امام چنین نوشته شده بود: «بانوی مکرمه فاطمه بنت عبدالله بن محمد بن احمد بن حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام»^۳

از این مطلب مشخص می‌شود که این بارگاه متعلق به دختر بدون واسطه امام کاظم علیه السلام نیست. گرچه ایشان ثابت می‌کند که حمزه بن کاظم علیه السلام فرزندى به اسم احمد نداشته بلکه وی سه فرزند به نام‌های علی، قاسم و حمزه داشته است. ولی با این وجود، ثابت نمی‌گردد که این بارگاه متعلق به دختر بدون واسطه امام کاظم علیه السلام باشد. زیرا که هیچ دلیلی بر تأیید آن نیست.

۵. حکیمه

حکیمه، یکی از دختران با فضیلت امام کاظم علیه السلام است که در شمار محدثه‌های مورد اطمینان و ثقّه آمده است.^۴ حکیمه بانوی دانش‌مند، عابد و دارای صلاحیت بوده که عمری طولانی داشته است. او از اصحاب برادرش امام رضا علیه السلام و از روایان حدیث آن حضرت به‌شمار می‌رود، نام وی در اکثر کتب رجال و انساب ذکر شده و از او تجلیل به عمل آمده

۱. اعلام النساء المؤمنات، ص ۵۸۵.

۲. فاطمه اخری، ص ۹۵-۹۶.

۳. همان، ص ۹۶.

۴. معجم الرجال الخدیث، ج ۲۳، ص ۱۸۷.

است. حکیمه را از زنان برجسته، صاحب نفوذ خاندان رسالت و از بزرگان سادات و علویین عصر خویش به شمار آورده‌اند. در بیشتر کتاب‌های شیعه روایات او نقل شده است.^۱ حکیمه می‌گوید:

در ماه رمضان سال ۱۹۵ قمری برادرم امام رضا علیه السلام برای کمک و مساعدت زایمان همسر خویش «سبیکه» که خود او را «خیزران» می‌نامید، مرا دعوت کرد و فرمود: ای حکیمه امشب نزد همسرم خیزران باش، قابله همراه توست، زیرا امشب فرزندی برای من متولد می‌شود. آن گاه برادرم ما را در اتاق قرار داد و چراغی برای ما روشن کرد. درب اتاق را بست و خود بیرون رفت. اما وقتی کودک به دنیا آمد، چراغ اتاق خاموش شد و ما نگران شدیم، ولی بعد متوجه شدیم نورانیت نوزاد ما را از چراغ بی‌نیاز می‌کند. تازه کودک را در دامن خود گذاشته بودم که امام رضا علیه السلام وارد اتاق شد، کودک خویش که نام او «محمد» تعیین شده بود، در آغوش گرفت گونه‌هایش را بوسید، و آن گاه او را در گهواره گذاشت و مراقبت و نگاه‌داری او را به من سپرد. همین که روز سوم ولادت کودک رسید، او چشم باز کرد و در حالی که به جانب آسمان می‌نگریست، با عبارت فصیح زبان به وحدانیت خداوند و نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله گشود، و این صحنه برای من تعجب‌آور بود، بدین جهت آن را با امام رضا علیه السلام در میان گذاشتم، او فرمود: ای حکیمه! چیزهای عجیب دیگری هم از او خواهی دید.^۲

بررسی مدفن حکیمه خاتون

در بهبهان، گچساران و کرمان، چند بارگاه وجود دارد که منسوب به حکیمه دختر امام کاظم علیه السلام می‌باشد. تاکنون هیچ یک از علمای انساب و تاریخ‌نگاران گزارش نکرده‌اند که حکیمه دختر امام کاظم علیه السلام به ایران مهاجرت نموده باشد، لذا نمی‌توان بقاع منسوب به او را در ایران، تأیید کرد.

اولین مدرکی که مزار حکیمه دختر امام کاظم علیه السلام را در کوه‌های مسیر بهبهان منسوب می‌کند. گزارش سیدجعفر آل بحرالعلوم است. وی می‌نویسد:

در مسیر کوه‌های بهبهان مزاری است که به حکیمه دختر امام کاظم علیه السلام منتسب است و شیعیان مسافر آن را زیارت می‌کنند.^۳

از آن جایی که بحرالعلوم کلمه «منتسب» را به کار می‌برد، مشخص می‌شود که او نیز این مزار را به‌طور قطع مربوط به دختر امام کاظم علیه السلام نمی‌داند و غیر از آن مدرک دیگری که بارگاه حکیمه دختر امام کاظم علیه السلام را در آن جا تأیید کند، در دست نیست.

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۴۴.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۹۴. جلاء العیون، ج ۴، ص ۱۰۴. تراجم اعلام النساء، ج ۲، ص ۲۳. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۲.

۳. تحفه العالم، ج ۲، ص ۳۶.

در گچساران نیز بقعه‌ای به حکیمه دختر امام کاظم علیه السلام منسوب شده که فاقد ارزش تاریخی است و هیچ منبع تاریخی و انساب آن را تأیید نمی‌کند. این مقبره در ۱۰۰ کیلومتری شهر دو گنبدان در روستایی واقع شده است.^۱

در کرمان نیز بقعه‌ای به حکیمه دختر امام کاظم علیه السلام منسوب است که آن نیز هیچ‌گونه سند و مدرک معتبر ندارد، گفته‌اند: امامزاده بی بی حکیمه طبق گفته اهالی، از خواهران یا دختران امام رضا علیه السلام می باشد.^۲ همت نیز می‌نویسد:

هویت این دختر به خوبی معلوم نیست، ولی مردم اختیارآباد می‌گویند: دختر موسی بن جعفر علیه السلام و خواهر بی بی حیات است و به همان دلیل که مردها حق زیارت بی بی حیات را ندارند در این زیارت هم حق ورود ندارند، مگر آن که از سادات باشند.^۳

بحرالعلوم گیلانی می‌گوید:

به احتمال قوی قبری که در کنار راه بهبهان است باید متعلق به حکیمه دختر علی بن محمد بن علی بن اسماعیل الاعرج بن الامام جعفر الصادق علیه السلام باشد، زیرا که فرزند برادر او ابو محمد حسن بن الحسین در دینور می‌زیسته و جمع کثیری از این خاندان در اهواز، ارجان و دینور سکنی داشته‌اند، به احتمال قوی حکیمه با برادرزاده خود به این منطقه مهاجرت نموده و در این جا مدفون شده است.^۴

۶. زینب

در کتاب‌های تاریخ و انساب، برای امام کاظم علیه السلام دو دختر به نام زینب نوشته‌اند.^۵ و محل دفن هیچ کدام را ذکر نکرده‌اند. بارگاهی منسوب به ایشان در اصفهان وجود دارد که در ذی‌الحجه سال ۱۳۵۱ قمری شهرت یافت. مقبره‌ای در ارزنان اصفهان که در بین ساکنان آن نواحی به «بچه زینب» معروف بود یکی از دختران بدون واسطه امام کاظم علیه السلام می‌باشد.^۶ در این که امام کاظم علیه السلام دختری به نام زینب داشته، شکی نیست.

۱. سیمای استان کهگیلویه و بویراحمد، ص ۱۰۹.

۲. فرهنگ جغرافیای آبادی‌های کرمان، ص ۳۶۴.

۳. تاریخ کرمان، ص ۴۴۸.

۴. تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری، ص ۲۸۹.

۵. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۱۶۲، تذکره الخواص، ص ۳۱۴.

۶. تاریخچه ارزنان، ص ۲.

در زمان ولایت عهدی امام رضا علیه السلام تعدادی از امامزادگان، از مدینه به سمت ایران و خراسان مهاجرت نمودند.^۱ پس از شهادت امام رضا علیه السلام حاکمان نسبت به نزدیکان امام رضا علیه السلام شروع به سخت‌گیری کردند، هر یک از امامزاده‌گان به محلی پناهنده شدند؛ در آن محل، با دشمنان روبه‌رو شده عده‌ای شهید و جمعی مخفیانه زندگی نموده تا بدرود حیات گفتند و قبرشان مجهول و شخصیت آنها هم چنان غیر معروف ماند. آن گروه از امامزادگان که به اصفهان آمدند، به دلیل تعصب شدید، سنی بودن و مخالفت مردم این شهر با خاندان علی علیه السلام، روبه‌رو شدند و پس از وفات، در نواحی مختلف شهر و دهات مدفون شدند و کسی متوجه آنان و قبورشان نشد و هم‌چنان گمنام باقی ماندند و پس از سال‌ها بعد از وفات آنان برخی از بستگان یا دوستانشان اشاره به قبر یکی از آنها نموده و آن قبر مورد توجه قرار گرفت و نام آن و محل دفنش را در کتابی ثبت و ضبط نمودند. اما پیش‌آمدهای مختلف از جنگ، نزاع، قتل، غارت، قحطی و ویرانی‌های متوالی در اثر جنگ پادشاهان و حکام، یکی از موجبات از بین رفتن کتاب‌ها و آثار نویسندگان قرون اولیه است که ممکن بود در آن کتاب‌ها اشاره به مرقد امامزادگان شده باشد. با توجه به این وضعیت نسب بیشتر امامزادگان هم‌چنان مجهول باقی مانده است.^۲

مقبره زینبیه در عصر حاضر، یکی از بقاع متبرک اصفهان و مورد توجه و عنایت خاص و عام است. در اثر وجود این مقبره، اکنون قریه ارزنان که امروزه به نام «زینبیه» خوانده می‌شود از محلات معمور و پرجمعیت است و هر روز صدها زائر برای زیارت به این مکان مقدس رفته و بدین وسیله از خداوند طلب حاجت می‌کنند.^۳ امامزاده زینبیه، در یک فرسخی شمال شرقی اصفهان از سمت طوقچی که در گذشته به نام «ارزنان» شهرت داشت قرار گرفته است.^۴ ابطحی امامزاده زینبیه را از بزرگ‌ترین زیارت‌گاه‌های اصفهان معرفی می‌کند و می‌گوید:

در روزهای جمعه و مناسبت‌های مذهبی، مانند میلاد ائمه علیهم السلام و روز عاشورا، این امامزاده ده‌ها هزار زائر را به سوی خود جذب می‌کند.^۵

۱. مزارات اصفهان، ص ۲۳۳.

۲. همان، ص ۲۳۳.

۳. مزارات اصفهان، ص ۲۳۳.

۴. تاریخ تشیع اصفهان، ص ۲۹۰.

۵. ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه‌علمیه اصفهان، ص ۱۸۷.

بررسی شهرت زینبیه

همان گونه که بیان گردید زینبیه اصفهان قبل از سال ۱۳۵۱ قمری ناشناخته بوده و کسی نمی دانست که در این مکان فعلی که در حال حاضر به زینبیه مشهور است دختری از امام کاظم علیه السلام مدفون است گرچه مقبره‌ی به نام بچه زینب در همین مکان فعلی وجود داشته است ولی کسی نمی‌انست که یکی از اولاد ائمه علیهم السلام در این مکان مدفون است.

در سال ۱۳۵۱ قمری شیخ عباس قمی، در حاشیه کتاب *المجدی فی انساب الطالبین* مطالبی را می‌بیند که مقبره زینب دختر امام کاظم علیه السلام را در قریه ارزنان یکی از روستاهای اصفهان ذکر می‌کند وی میرسعید طباطبائی را که در خراسان بوده از طرف خود به اصفهان روانه می‌کند و به او می‌گوید در نسخه‌ای از کتاب *المجدی* دیدم که زینب دختر امام کاظم علیه السلام در قریه ارزنان اصفهان مدفون است، شما بروید تحقیق کنید که در آن جا مقبره‌ای به این نام وجود دارد؟ بعد از تحقیق معلوم می‌شود که مقبره‌ای با گنبد آجری و صحن در قریه ارزنان به نام بچه زینب موجود است، بعد از این حادثه، موضوع در میان مردم اصفهان شایع می‌شود مردم دسته‌دسته از شهر و روستاها به آن جا می‌آیند.^۱

حبیب‌آبادی که در آن زمان یکی از علمای برجسته اصفهان بوده، در این مورد تحقیقی انجام داده و آن را به صورت کتابی چاپ نموده است وی می‌گوید:

زینبیه اصفهان، از قدیم به «بچه زینب» اشتهار داشت و منتسب به هیچ‌کدام از ائمه علیهم السلام نبود تا این که در ذی‌الحجه ۱۳۵۱ قمری، ناگهان شهرت پیدا نمود که این زینب دختر امام کاظم علیه السلام است و پس از تحقیقات معلوم شد که منشأ این کار از کتاب *بدایع الانوار* است و در آن چنین نوشته شده بود صاحب کتاب *المجدی* دو دختر امام کاظم علیه السلام را به اسم زینب نام می‌برد و می‌گوید یکی از آنها در قریه ارزنان اصفهان مدفون است، ولی مشخص نمی‌کند که زینب کبری است و یا صغری؟^۲

حبیب‌آبادی می‌گوید:

در آن زمان یک نسخه از کتاب *المجدی* در نزد حاج امین الواعظین تهرانی یافت می‌شد، من بعد از زیارت امام رضا علیه السلام به تهران آمدم و به منزل امین الواعظین رفتم و در نسخه‌ای از *المجدی* در حاشیه آن دیدم که بعد از اسم زینب نوشته شده بود

۱. تاریخچه ارزنان، ص ۲-۳.

۲. کشف الخیبه عن مقبره الزینبیه، ص ۳۸.

«سمعت عن الامير محمدهادی بن الامير لوحی المورخ أن بچه زينب المدفونه فی قریه ارزنان من قری اصفهان هی بنت موسی الکاظم علیه السلام جمعی از علمای اصفهان مثل حاج میرزا حسین جعفری نیز آن نسخه *المجدی* را دیدند.^۱

وی می گوید:

در اصفهان دو نسخه دیگر از کتاب *المجدی* را پیدا نمودم یکی از آنها تاریخ نداشت و قدیمی بود و نسخه دیگر تاریخ «۱۱۰۶» روی آن نوشته شده بود در هیچ یک از این دو نسخه عبارت مذکور که در نسخه تهران ذکر شده بود دیده نمی شد، ظاهراً صاحب *بدایع الانوار* هم از همین نسخه تهران که مطلب مذکور نوشته شده است، استفاده نموده و امین الواعظین تهرانی هم تأیید نمود که صاحب *بدایع الانوار* از همین نسخه که نزد من است استفاده نموده و شیخ عباس قمی نیز در جواب نامه من نوشت که من نیز آن مطلب را در نسخه موجود تهران نزد آقای امین الواعظین دیده ام و غیر از آن دیگر مدرکی ندارم.^۲

حبیب آبادی می گوید این عبارت درباره زینب دختر امام کاظم علیه السلام متعلق به صاحب *المجدی* نیست به چند دلیل:

الف. در *عمدة الطالب* که زیاد از *المجدی* نقل می کند این مطلب نیامده است.

ب. در سایر نسخ *المجدی* این عبارت دیده نمی شود.

ج. تاکنون نامی از میرلوحی نشنیده ایم جز امیر محمدهادی میرلوحی معروف که در جمادی الثانی ۱۱۱۳ قمری درگذشته است وی در زمان مجلسی می زیسته و زمان او با زمان *المجدی* که سال ۴۴۳ قمری تألیف شده، خیلی فاصله دارد، بنابراین نسبت درست نمی باشد.^۳

ولی با وجود این مطالب که ذکر گردید معلم حبیب آبادی می گوید:

مظنون این است که نسبت، انتساب حضرت زینب به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درست باشد، زیرا که ظاهراً چنانچه از پیش اشاره نمودیم، این امیر محمدهادی از سنگ روی قبر او بر می آید از علما و معاصر مجلسی بوده، و پیش از او و در زمان او این قبر در قریه ارزنان، موجود بوده، زیرا که او می گوید: زینب مدفون در قریه ارزنان از قرای اصفهان است، دختر امام کاظم علیه السلام بدون واسطه می باشد و این تصریح بدون واسطه بودن او بیشتر سبب صحت نسبت می باشد. پس استبعادی

۱. همان، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۵-۳۸.

۳. همان، ص ۲۸.

ندارد که زینب نامی دختر امام کاظم علیه السلام وقتی به جهاتی که مذکور شد، به اصفهان آمده و وفات نموده، در این زمین دفن شده باشد.^۱

ابطحی می گوید:

محمدعلی مبارک‌کاهی، در رساله نورالانوار فی کشف احوال زینب بنت موسی بن جعفر علیه السلام به نقل از کتاب نورالهدی فی نسب آل المصطفی که در سال ۱۰۴۱ به وسیله عزالدین محمد تألیف گردیده، در ضمن شرح داستان حرکت فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام از مدینه به سوی ایران و پراکنده شدن آنها در ایران، بعضی از آنها به سوی اصفهان آمدند و حاکم و فرمان‌دار آن شهر، از دوستان خاندان اهل بیت بود، پس وقتی به اصفهان رسیدند، اوضاع - به خاطر عوض شدن حاکم - دگرگون گردیده بود و از آنها که وارد اصفهان شدند هارون بن موسی و ابراهیم بن موسی علیه السلام و از دختران، زینب کبری و فاطمه کبری بودند و در این هنگام خبر آنها به مامون رسید... و زینب در محل ارزانان از روستاهای اصفهان، یک سال پس از برادرش هارون بن موسی بن جعفر علیه السلام از دنیا رفت و در زمان عضدالدوله دیلمی بقعه کوچکی بر قبر او ساخته شد، و اما فاطمه پس از گذشت دو سال از شهادت برادرش هارون از دنیا رفت و نزدیک قصبه لنیان دفن گردید.^۲

در مورد بارگاه زینبیه اصفهان باید نکاتی را مد نظر قرار داد.

۱. همان‌گونه که بیان شد به غیر از مطلبی که شیخ عباس قمی و بدایع نگار در حاشیه *المجدی* دیده‌اند دیگر سند و مدرکی معتبری وجود ندارد.

۲. آن‌چه که در حاشیه *المجدی* آمده، به‌طور مسلم از خود صاحب *المجدی* نیست، زیرا که در متن *المجدی* مطلب مذکور نیامده علاوه بر آن مطلب یاد شده از زبان امیر محمدهادی میرلوحی نقل شده که وی هم‌زمان با مجلسی می‌باشد و *المجدی* قرن پنجم نوشته شده است و این فاصله زمانی طولانی غیر مستند بودن مطلب مذکور را می‌رساند که می‌گوید زینب دختر امام کاظم علیه السلام در قریه ارزنان اصفهان مدفون است، و آن را از زبان میرلوحی نقل می‌کند.

۳. آن‌چه که در حاشیه *المجدی* آمده فقط در یک نسخه از آن دیده شده و سایر نسخ خالی از این مطلب می‌باشند و این خودش دلیل محکم است که آن‌چه در حاشیه این کتاب آمده از خود مؤلف نیست و کس دیگری آن را در حاشیه *المجدی* نوشته است، چه کسی این مطلب را نوشته است و در چه تاریخی آن را نوشته است، معلوم نیست. ولی

۱. کشف الخبیه عن مقبره الزینبیه، ص ۴۴-۴۵.

۲. ریشه و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، ص ۱۸۰.

آنچه بدست می‌آید این است که مطلب مذکور قدمت تاریخی ندارد. چنانچه مطلب مذکور از قدمت تاریخی برخوردار بود و در نسخ متعددی نوشته شده بود می‌بایست زینبیه اصفهان قبل از سال ۱۳۵۱ قمری، مشهور می‌گردید به دلیل اینکه کتاب *المجدی* که کتاب معتبری در باب انساب به حساب می‌آید نزد بسیاری از علمای بزرگ موجود بوده، و آن‌ها با دیدن این مطلب که زینب دختر امام کاظم علیه السلام در قریه ارزنان اصفهان مدفون است، قطعاً به معرفی این بارگاه می‌پرداختند و آن جا قبل از سال ۱۳۵۱ مشهور می‌گردید به‌ویژه در زمان صفویه.

۴. حبیب‌آبادی با این که خودش ثابت نموده آن‌چه که درباره زینب دختر امام کاظم علیه السلام در حاشیه *المجدی* آمده از خود نویسنده کتاب نیست و فقط در یک نسخه‌ای بی تاریخ از آن کتاب دیده شده، ولی با وجود این مطلب، وی می‌گوید میرلوحی از علماء بوده و در علم تاریخ نیز دست داشته است، چون او گفته است زینب دختر امام کاظم علیه السلام در قریه ارزنان مدفون است، پس احتمال دارد که گفته او درست باشد.

در جواب وی باید گفت، اول این که معلوم نیست این مطلب را میرلوحی گفته باشد زیرا که هیچ سند و مدرکی وجود ندارد. دوم این که همان‌گونه که خود حبیب‌آبادی می‌گوید میرلوحی هم دوره مجلسی بوده و از علمای بزرگ اصفهان به شمار می‌رفته و اگر او مقبره زینبیه اصفهان را، از آن دختر امام کاظم علیه السلام می‌دانست قطعاً در همان دوره خود به معرفی این مقبره می‌پرداخت و مردم اصفهان را از آن آگاه می‌نمود و این بارگاه در همان زمان مشهور می‌شد.

۵. در جواب ابطحی باید گفت: هیچ منبع تاریخی و انساب ذکر نکرده است که هارون، ابراهیم، زینب و فاطمه از فرزندان امام کاظم علیه السلام به اصفهان آمده باشند همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید امام‌زاده هارون اصفهان از نوادگان امام کاظم علیه السلام می‌باشد، و دو نفر از فرزندان امام کاظم علیه السلام که ابراهیم نام دارند بارگاه هر دوی آنها در عراق می‌باشد، بنابراین ابراهیم که در برخوردار اصفهان مدفون است فرزند بدون واسطه امام کاظم علیه السلام نخواهد بود.

۷. آمنه

یکی از دختران امام کاظم علیه السلام آمنه نام دارد. تاریخ ولادت و وفات او مشخص نیست. برخی سه دختر به اسم آمنه برای امام کاظم علیه السلام ذکر نموده‌اند: آمنه کبری، آمنه وسطی و آمنه صغری.^۱

ولی اکثر علمای انساب یک آئینه ذکر نموده‌اند.^۱ شرح حال مختصری از او در دست می‌باشد. این بانو از مدینه هجرت نمود و به مصر رفت و در همان جا وفات نمود، قبر آئینه در مصر بقعه و بارگاه مختصری دارد و زیارتگاه مردم است.^۲

شیلنجی، کرامتی را از این بانو نقل می‌کند. کسی مقداری روغن زیتون آورد و به خادم حرم آئینه تحویل داد و از او خواست که برای روشنایی از آن استفاده کند، خادم روغن را در جا چراغی ریخت، دید نمی‌سوزد؟ تعجب کرد! در خواب آئینه را دید که می‌فرماید: روغن او را بازگردان و از او پیرس از کجا آورده است؟ من جز مال حلال نمی‌خواهم، وقتی که صبح شد صاحب روغن آمد، خادم به او گفت روغن را بگیر، او پرسید: برای چه؟ خادم گفت: من بانو آئینه را در خواب دیدم که فرمود: من جز مال حلال پذیرا نیستم. صاحب روغن گفت راست گفته است، چون من مأمور دولت هستم و مالیات نامشروع از اجناس بازار می‌گیرم و بعد روغن را گرفت و رفت.^۳

نتیجه

در مورد فرزندان امام کاظم علیه السلام کار تحقیقی منسجم صورت نگرفته و کارهایی که در مورد برخی از آنها صورت گرفته بیشتر تک‌نگاری است و آن هم به صورت مستدل و تحقیقی انجام نگرفته است، زیرا که نویسندگان این گونه کارها، عموماً از همان شهری بوده‌اند که بارگاهی منسوب به یکی از فرزندان امام کاظم علیه السلام در همان شهر بوده و نویسنده سعی و تلاشش بر آن بوده که تا ثابت کند این امامزاده حتماً از فرزندان بدون واسط امام کاظم علیه السلام می‌باشد و فضایی را هم به او نسبت می‌دهد و چه بسا مطالبی خرافی را هم در کتاب خود می‌آورد.

در مورد تعداد فرزندان امام کاظم علیه السلام از قرون اولیه تا زمان حاضر اختلاف فاحشی وجود دارد قدیمی‌ترین گزارش از نصر بن علی الجهضمی در قرن سوم است که ۳۳ فرزند، ۱۵ دختر و ۱۸ پسر برای امام کاظم علیه السلام ذکر می‌کند. ولی در قرون بعدی بر تعداد فرزندان امام کاظم علیه السلام افزوده می‌شود. می‌توان گفت از قرن پنجم به بعد بین ۵ تا ۱۰ اسم بر اسامی اولیه افزوده شده است و در قرن دوازده و سیزدهم تعداد فرزندان به ۷۸ نفر می‌رسد در حالی که بسیاری از آن اسامی در فهرست قرون اولیه نیست در بین تمام کسانی که

۱. لیاب الانساب، ج ۱، ص ۳۹۴. الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴. تاریخ اهل بیت، ص ۱۲۹.

۲. تاریخ المشاهد المشرفه، ج ۱، ص ۲۲.

۳. نورالابصار، ص ۲۱۸-۲۱۹.

اسامی فرزندان امام کاظم علیه السلام را ذکر نموده‌اند جامع‌ترین فهرست از شیخ مفید است که در *الارشاد* ۳۷ فرزند برای امام کاظم علیه السلام ذکر می‌کند. ۱۸ پسر و ۱۹ دختر.

در مورد مکان دفن و بارگاه‌های فرزندان امام کاظم علیه السلام نیز مانند تعداد آنها اختلاف زیادی وجود دارد برای برخی از آنها مثل حمزه، عبدالله، حسین، محمد و هارون بارگاه‌های متعددی در شهرهای مختلف ایران وجود دارد که اثبات هر یک از آنها نیازمند دلیل و مدرک معتبر تاریخی است که در مورد اکثر آنها چنین مدرک معتبری وجود ندارد. از طرف دیگر قدمت تعدادی از بارگاه‌های منسوب به فرزندان امام کاظم علیه السلام در ایران، بعد از قرن هشتم و نهم می‌باشد مثل احمد بن موسی، که نیازمند مدرک معتبر تاریخی قبل از قرن هشتم و نهم است ولی این‌گونه مدارک معتبر در دست نیست.

برخی از فرزندان امام کاظم علیه السلام در دوران خلافت مأمون عباسی در قیام بزرگ علویان به رهبری ابراهیم بن محمد معروف به ابن طباطبا شرکت داشتند، این قیام که ۱۰ ماه طول کشید تعداد زیادی از یاران خلیفه در آن کشته شدند و بسیاری از شهرها به دست قیام‌کنندگان افتاد. ابراهیم بن موسی از جانب محمد بن محمد بن زید به سرپرستی امور ولایت یمن منصوب شد وی به آن جا رفت و به فعالیت پرداخت زید بن موسی علیه السلام نیز به سرپرستی امور اهواز منصوب شد وی در مسیر راه، بصره را از کنترل عباسیان خارج نمود، وی مرتکب اعمالی شد که در شأنش نبود تاریخ‌نگاران گزارش نموده‌اند که زید خانه‌ها و مزارع بنی‌عباس را به آتش کشید. هرگاه یکی از سیاه‌جامگان را نزد او می‌آوردند دستور سوزاندن او را صادر می‌کرد به همین جهت وی به زیدالنار معروف شد.

به برخی از فرزندان امام کاظم علیه السلام مثل ابراهیم بن موسی اتهام مذهب زیدیه واقفیه زده شده است که در جهت اثبات آن گزارش تاریخی و روایی وجود دارد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آل یاسین، محمدحسن، تاریخ کاظمین، ترجمه غلامرضا اکبری، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۷۱ ش.
۳. آیتی، محمدحسین، بهارستان در تاریخ و تراجم، رجال قاینات و قهستان، تهران، بی نا، ۱۳۲۷ ش.
۴. ابطحی، میر سیدحجت، ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، اصفهان، دفتر تبلیغات اصفهان، ۱۴۱۸ق.
۵. ابن ابی الثلج بغدادی، تاریخ الاثمه مجموعه فیسه فی التاریخ الاثمه، بیروت، دارالقاری، طبع اول، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن جوزی، سبط، تذکره الخواص، بیروت، موسسه اهل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۱ق.
۷. امین، سیدمحمدحسن، اعیان الشیعه، مطبعه الانصاف، بیروت، طبع دوم، ۱۳۸۰ق.
۸. امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۹. -----، تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری، قم، انتشارات وثوق، ۱۳۸۵ش.
۱۰. بحرالعلوم، سیدجعفرآل بحرالعلوم، تحفه العالم فی شرح خطبه المعالم، مکتبه الصادق، طبع دوم، ۱۴۰۱ق.
۱۱. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم والمعارف الاحوال من الآیات والاکبار والاقوال، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ق.
۱۲. جزی، عبدالکریم، رجال اصفهان، تذکره القبور، چاپ دوم، بی نا، بی جا، ۱۳۲۸ش.
۱۳. جوکار قنواتی، رضا، شناسنامه بهبهان، اهواز، حافظ، ۱۳۵۰ش.
۱۴. چهار سوقی، میرزا محمدهاشم، میزان الانساب در شرح حال امام زاده‌های معتبر اصفهان، اصفهان، حکمت، ۱۳۲۲ش.
۱۵. حرزالدین محمد، مرآة المعارف فی تعیین مرآة العلویین، نجف، مطبعه الادب، طبع اول، ۱۳۷۱ ش.
۱۶. حسینی جلالی، محمدحسین، مزارات اهل البيت و تاریخها، بیروت، مؤسسه الاعلمی، طبع سوم، ۱۴۱۵ق.

۱۷. صدوق ----- الامالی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، طبع پنجم، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. ----- تاج الموالمید، «مجموعه نفیسه فی التاریخ الائمه» بیروت، دارالقاری، طبع اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۹. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، تاریخ الامم والملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸، طبع دوم.
۲۰. عاملی حر، محمد، اثبات الهداه، بالتخصص والمعجزات، ترجمه احمد جنتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۹ ق.
۲۱. فقیه ایمانی، مهدی، تاریخ تشیع در اصفهان، بی جا، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. فقیهی، علی اصغر، تاریخ مذهبی قم، چاپ دوم، قم، زائر، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. فیض، عباس، انجم فروزان، قم، بی نا، ۱۳۲۲ ش.
۲۴. ----- تاریخ کاظمین، قم، چاپخانه قم، بی تا.
۲۵. ----- گنجینه آثار قم، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول، ۱۳۴۹ ش.
۲۶. قرخانی بهار، حسن، آثار باستانی و معماری بقاع متبرکه، تهران، فرهنگ سرا، ۱۳۶۳ ش.
۲۷. قرشی، باقرشریف، حیاة الامام موسی بن جعفر علیه السلام بیروت، دارالبلاغه، طبع اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. قرنی گلیپایگانی، علی، منهاج الدموع، قم، چاپ سوم، دین و دانش، ۱۳۴۴ ش.
۲۹. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، ترجمه حسن قمی، تهران، تحقیق سیدجلال الدین تهرانی انتشارات توس، ۱۳۶۱ ش.
۳۰. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. ----- انوارالبهیة، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، قم، انتشارات ناصر، ۱۳۷۲ ش.
۳۲. ----- سفینه البحار، قم، دارالاسوه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۳۳. قولویه قمی، ابی القاسم جعفر، کامل الزیارات، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۳۴. کریمی جهرمی، علی، بانوی ملکوت، قم، راسخون، ۱۳۷۹ ش.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار لدرراخبار الائمه الاطهار، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۲۳ ق.

۳۶. -----، *تحفه الزائر*، ایران، بی نا، ۱۲۸۱.
۳۷. -----، *تذکره الائمه علیهم السلام* تهران، نشر مولانا، بی تا.
۳۸. محلاتی، ذبیح الله، *ریاحین الشریعه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۹. محمد بیگی، بهروز، *زندگی نامه امامزاده هارون*، همدان، نور علم، ۱۳۸۲ ش.
۴۰. معلم حبیب آبادی، میرزا محمدعلی، *کشف الخیه عن مقبره الزینیه*، اصفهان، نشر محمدی، شیرازی، ۱۳۵۲ق.
۴۱. -----، *الارشاد فی معرفت حجج الله علی العباد*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام چاپ اول، قم، ۱۴۱۳.
۴۲. موسوی، سیدحسین ابوسعید، *تاریخ المشاهد المشرفه*، بیروت، مؤسسه البلاغ، طبع دوم، ۱۴۲۶ق.
۴۳. -----، *مشجر الوافی*، قم، مؤسسه عاشورا، طبع اول، ۱۴۲۵ق.
۴۴. مهدوی، مصلح الدین، *تاریخچه ارزان مقبره.. زینب خاتون اصفهان*، اوقاف، ۱۳۷۵ش.
۴۵. -----، *مزارات اصفهان*، تصحیح علی اصغر منتظرالقائم، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
۴۶. مهدی پور، علی اکبر، *کریمه اهل بیت*، قم، حادق، ۱۳۷۴ش.
۴۷. ناصر الشریعه، محمدحسین، *تاریخ قم*، قم، دارالفکر، ۱۳۵۰ش.
۴۸. نایینی اردستانی قمی، محمدعلی، *انوار المشعشعین*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۱ش.
۴۹. نجاشی، احمدبن علی، *رجال النجاشی*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، طبع هفتم، ۱۴۲۴ق.
۵۰. نحوی، سیف الله، *سیمای استان کهکلوویه و بویراحمد*، بی جا، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۵ش.
۵۱. نعمانی، محمدبن ابراهیم، *غیبت نعمانی*، ترجمه محمدجواد غفاری، چاپ اول، تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ش.
۵۲. هنرفر، لطف الله، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، چاپ دوم، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰.

۵۳. یمانئ الموسوی، محمد کاظم بن ابی الفتوح بن سلیمان، *الفخحه المنبریه فی انساب خیر البریه*، تحقیق مهدی رجایی، چاپ اول، قم، کتاب خانہ آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۹ق

۵۴. یوسفی، یوسفعلی، *شہیدہ غربت*، قم، چاپ اول، کوثر غدیر، ۱۳۸۶ش.